



امپراطوری رو
به زوال آمریکا
فرق در مشکلات
است / بیش از ۵۰
درصد مردم آمریکا
رئیس جمهور فود
را قبول ندارند.



مدارس تربیت قرآنی
meftah-school.i
مفتاح رشت

ماهنامه صدای دانش آموزان امروز

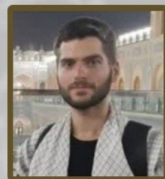
سربازان ۲۰

امام حاضر (عج)

این شماره از ماهنامه تقدیم میشود به:

شهید
سید اسماعیل فرجودی

إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ
شهادت در راه اسلام توسط شقی ترین
افراد گوارای تو باد. سلام مفتاحیون را به
امام حاضرمان برسان و بگو ما تا آخرین
نفس و قطره ی خونمان ایستاده ایم.



شماره ۲ | سال اول | فروردین ۱۴۰۰

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي وَبَلِيكَ الْفَرَجِ

ماهنامه دانش آموزی «سربازان امام حاضر عج»
در روز اولین جمعه هر ماه منتشر میشود.

بیعت با رهبر جدید

«اطاعت از او مثل اطاعت
از سیدالشهداست»

انتخاب آیت الله سید مجتبی
خامنه‌ای به عنوان رهبر سوم
ایران، نماد اعتماد و امید مردم
به رهبری فرزانه و ادامه‌دهنده
مسیر امام راحل و اهداف
والای ایشان است. در ادامه
گزیده ای از فرموده‌های
مرحوم علامه مصباح یزدی، در
مورخه ۱۳۹۲/۰۹/۲۱ را خواهید
خواند:

■ این موقعیتی که ما داریم
در این شرایط اجتماعی
سیاسی ای که هستیم،
موقعیت بسیار ممتازی است.
ما اگر در روز عاشورا در كربلا
بودیم آیا این موقعیت
ممتازی بود یا نبود؟

■ ...حالا اگر امام حسین از
هزار و چهارصد سال پیش‌تر
برای امروز ما یک نماینده
فرستاده باشد، بیعت با او یا
بیعت با امام حسین فرقی
نمی‌کند چون ایشان هم
نماینده اوست.

■ ما معتقدیم که در این
عصر، ولی‌فقیه مثل حضرت
مسلم است نسبت به
سیدالشهدا! بیعت با او مثل
بیعت با سیدالشهداست،
اطاعت از او مثل اطاعت از
سیدالشهداست، کل یوم
عاشورا یعنی این. اگر در جبهه
سیدالشهدا باشید، اگر واقعا
اطاعت کنید شما امروز هم
می‌توانید ثواب عاشورا را
داشته باشید

■ ...باید بدانیم ایشان
نماینده امام است، ولی‌فقیه
است، نایب الامام است،
اطاعت از ایشان مثل اطاعت
از امام زمان است. ما امروز
باید سعی کنیم خط رهبر را
درست بشناسیم، الهام
بگیریم... اطاعت از ایشان مثل
اطاعت از امام زمان بر ما
واجب است. باید این را خوب
بفهمیم و خوب برای دیگران
تبیین کنیم.



مگر رهبر، کجاست؟

نداشت؟!

صفحه ۷۸

پادداشت منتخبات

تحلیلی بر ابهامات سوالات پیرامون شهادت امام خامنه‌ای

مصاحبه اختصاصی | کلاس رسمی تربیت غیر رسمی



صفحه ۱۸

روایت راهبرد تربیتی هیات امام حاضر (عج) مدارس
مفتاح رشت از برادر خدمتگزار عضو شورای
هیات و مربی پایه پنجم، مفتاح.

یادداشت سردبیر | مسئولیت در عصر التهاب



صفحه ۲۴

شماره اول «سربازان امام حاضر عج»، اعلام
حضور بود؛ اما شماره دوم، سخن از
مسئولیت است.

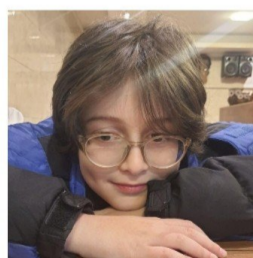
تحلیل مسائل روز | اعتراض یا اغتشاش



صفحه ۱۴

مرز باریک بین فریاد و تخریب! تو کجای ماجرا
ایستاده‌ای؟ همراه ما باشید در ستون: از امروز
چه خبر؟ با هم فکر کنیم!

یادداشت و گفت‌وگو | رمضان به روایت طاها



صفحه ۳۳

گاهی برای فهم یک حقیقت بزرگ، باید از زاویه نگاه یک
کودک به آن نگاه کرد؛ طاها ملکی یکی از خبرنگاران
افتخاری ماهنامه، در این شماره از ماه مبارک رمضان نوشت.
نقاشی کشید و با مربیان مدرسه گفت‌وگو کرد.

در گوشه | لقمه‌های یواشکی زیرمیز



صفحه ۵

میان دل و قانون، حرفهایی از مربیان فقط برای تو؛
در ستون ثابت در گوشه، اینجا جایی است که
مربیان با صدای صادقانه و بی پرده‌ی خود،
نظرات و تجربیاتشان را در میان می‌گذارند.

و آنچه خواهید خواند:

- روایتی از اردوی کلاس ششمی‌ها
- شعر و شعور در وصف امام حاضر عج
- گزارشی از دسته‌ی عزای رهبر شهید در خیابان‌های سیاهپوش رشت
- مفتاح مجازی شد | مدیریتی بر چالش‌های این روزهای کشور
- دو مسابقه | انتظار فرج، و کاریکاتورپست‌ها

- خاطره‌ای از شهید مفتاحی
- دلنوشته‌ی مادر دو دانش آموز کلاس دومی و چهارمی
- نیایش مشاوره مدرسه با پروردگار
- گزارش خبری از شب‌های قدر هیات امام حاضر + تصاویر

حضور در مسیر موفقیت و رشد، نیازمند حمایت و همدلی بین تمامی تفکرهاست. در این راستا، ما در ماهنامه سربازان امام حاضر عج،
بخش «حامی شو؛ دیده شو» را ایجاد کرده‌ایم تا فرصتی را برای معرفی برنده‌ها، کسب‌وکارها و افراد خلاق فراهم آوریم. اگر شما هم در
پی گسترش دیدمشن و شناخته‌شدن در جامعه هدف خود هستید، این بخش می‌تواند پل ارتباطی بین شما و مخاطبان‌تان باشد.

با ما تماس بگیرید و با همکاری در این بخش، بخشی از داستان موفقیت خود را رقم بزنید.

حامی شو؛ دیده شو

صفحه ۱ | گفت و گوی اختصاصی | شماره ۲ | سال اول | فروردین ۱۴۰۵

گفت و گف

گفت و گوی اختصاصی تحریریه با

برادر خدمتگزار

عضو شورای هیأت و
مربی پایه پنجم مفتاح

| پرونده ویژه |

کلاس رسدنی تربیت

غیر رسدنی

روایت راهبرد تربیتی هیأت امام حاضر (عج)
مدارس مفتاح رشت



در مدرسه ما، هیأت فقط یک برنامه هفتگی نیست. صدای روضه، زمزمه دعای ندبه و اشک‌های آرام بعضی از بچه‌ها، بخشی از هویت اینجا شده است. اما یک سؤال جدی همیشه وجود دارد: آیا هیأت مدرسه فقط یک مراسم مناسبتی است؟ یا پشت آن یک نگاه عمیق تربیتی قرار دارد؟ نسل امروز با دغدغه‌های تازه‌ای زندگی می‌کند؛ دنیایی پر از سرعت، شبکه‌های اجتماعی، رقابت درسی و هزار سؤال بی‌پاسخ. در چنین فضایی، دعا و انتظار چه نسبتی با نوجوان امروز دارد؟ آیا واقعا می‌تواند بر درس، انگیزه، امید و حتی رفتارهای روزمره اثر بگذارد؟ در این شماره پای صحبت‌های آقای خدمتگزار، مربی پایه پنجم مفتاح و قاری دعای ندبه هیأت مدرسه نشستیم تا صریح و بی‌تعارف درباره همین پرسش‌ها گفت‌وگو کنیم؛ از نسبت هیأت با پیشرفت علمی گرفته تا معنای واقعی «انتظار» در زندگی یک دانش‌آموز. آنچه می‌خوانید، یک گفت‌وگوی معمولی نیست؛ تلاشی است برای فهمیدن اینکه اگر یک روز هیأت از مدرسه حذف شود، دقیقاً چه چیزی از ما کم خواهد شد...

احساساتی مانند دلنگی، تنهایی و عشق، ثابت هستند و همیشگی. دعای ندبه با همین احساسات صحبت می‌کند. شاید زبانش کمی قدیمی باشد، اما محتوایش برای جوانان امروز کاملاً جدید و مرتبط است. وقتی یک نوجوان می‌خواند: "کجایی ای کسی که چشم‌های مشتاقان به تو روشن است؟"، این جمله صدای دل خود اوست. از آنجا که این دعاها از زبان معصومین آمده، اثر عمیقی دارند. ممکن است برخی دانش‌آموزان ابتدا با ادبیات دعا آشنا نباشند، ولی معانی آن‌ها را جذب می‌کنند و بعد مشتاق به خواندن دعای ندبه می‌شوند.

تأثیرگذار مهیا می‌سازد. در نتیجه، این فضای معنوی و تربیتی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا نسلی متعهد و آگاه بسازند.

« برخی می‌گویند نسل امروز با زبان سنتی دعا ارتباط نمی‌گیرد. اصرار بر دعای ندبه چقدر واقع‌بینانه است؟ »

«این سوال از پیش‌فرضی نشأت می‌گیرد که نیاز به بررسی دارد. اینکه "نسل امروز با زبان سنتی دعا ارتباط نمی‌گیرد"، بیشتر یک کلیشه است تا واقعیت.

« اجازه بدهید صریح بپرسیم؛ آیا هیأت مدرسه یک برنامه مناسبتی است یا یک سیاست تربیتی؟ »

هیأت مدرسه فقط یک برنامه مناسبتی نیست، بلکه یک سیاست تربیتی عمیق و ریشه‌دار در دین و سیره معصومین است. اینجا، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که هویت خود را بشناسند، ارتباط با خدا را تمرین کنند و مهارت‌های اجتماعی را به دست آورند. هیأت، همانند یک کلاس درس بدون تخته و گچ عمل می‌کند و فضا را برای همنشینی‌های مثبت و

به‌خوبی مدیریت کنند. آن‌ها باید وقت خود را بین دعا، درس، تفریح و خانواده تقسیم کنند و این مهارت مهمی است. امام کاظم علیه‌السلام نیز می‌فرمایند که مؤمن باید به محاسبه زمان خود بپردازد. بنابراین، دانش‌آموزان هیأتی خودشان را به ارزش وقت متعهد می‌کنند و به بهترین شکل از آن بهره‌برداری می‌کنند.

« اگر یک روز هیأت و دعای ندبه تعطیل شود، دقیقاً چه چیزی از مدرسه کم می‌شود؟ »

«اگر یک روز هیأت و دعای ندبه از مدرسه حذف شود، ما تنها یک برنامه را تعطیل نکرده‌ایم؛ بلکه یک رکن اساسی را از بیکره مدرسه جدا کرده‌ایم. هیأت برای مدرسه، نه یک فعالیت فوق‌برنامه، بلکه "هسته مرکزی" تربیت است. اگر هیأت نباشد، چه چیزهایی برای همیشه از مدرسه کم می‌شود:

۱. کمبود "معنا": مدرسه انباشت اطلاعات است اما هیأت به این اطلاعات "جهت" می‌دهد. به دانش‌آموز می‌فهماند که این علمی که یاد می‌گیرد برای چیست و در کدام مسیر کاربرد دارد. بدون هیأت، مدرسه مانند یک کارخانه تولید اطلاعات می‌شود و نه مکانی برای تربیت انسان.
۲. کمبود "هویت": دانش‌آموز امروز در دنیایی سردرگم شده است. هیأت به او می‌گوید که بخشی از یک جامعه بزرگ است و آرمان مشترکی دارد. دعای ندبه با یادآوری آرمان مهدویت، این هویت را تثبیت می‌کند. بدون هیأت، دانش‌آموزان به افراد تنها و بی‌ریشه تبدیل می‌شوند.
۳. کمبود "عاطفه": فضای آموزش رسمی معمولاً خشک و بی‌روح است. نمره و رقابت و اضطراب حاکم است. هیأت به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد که احساسات خود را تخلیه کنند و با گریه برای امام حسین علیه‌السلام، روح خود را جلا دهند. بدون هیأت، مدرسه به جایی بی‌روح

وقتی دیدم چشم‌های بعضی بچه‌ها

خیس اشک است

دلم لرزید، آنجا بود که فهمیدم؛ این روضه، دارد کار خودش را می‌کند.

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند که دل‌ها نیاز به "طرائف الحکمه" دارند. دعای ندبه برای نوجوانان امروز یک لطافت معانی است که در روزمرگی و فضای مجازی پیدا نمی‌کنند. بنابراین، اصرار بر دعای ندبه نه تنها غیر واقع‌بینانه نیست، بلکه کاملاً ضروری و آینده‌نگرانه است و پل معنوی بین نسل امروز و معارف اهل‌بیت را ایجاد می‌کند.

« آیا می‌توان ادعا کرد هیأت بر عملکرد علمی دانش‌آموزان هم اثر دارد؟ »

«بله، به‌طور قطع می‌توانم بگویم که هیأت تأثیر منفی بر عملکرد علمی دانش‌آموزان ندارد و حتی می‌تواند باعث ارتقای آن شود. این ادعا نه تنها بر اساس مشاهدات ماست، بلکه از نظر علمی و روایی نیز معتبر است. ممکن است افراد فکر کنند شرکت در مراسمی مثل دعای ندبه زمان دانش‌آموز را هدر می‌دهد، اما تجربه ما نشان می‌دهد که برعکس، این مراسم به دانش‌آموزان کمک می‌کند:

۱. نظم و انضباط فکری: هیأت برنامه‌ای منظم است و به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که چگونه وقتشان را برای امور مختلف مدیریت کنند. بچه‌های هیأتی معمولاً منظم‌تر هستند و این نظم به زندگی علمی‌شان نیز منتقل می‌شود.
۲. آرامش روانی و کاهش استرس: دعا و نیایش موجب کاهش اضطراب و افزایش تمرکز می‌شود. نوجوانانی که از نظر روحی آرام‌تر هستند، ذهن بازتری برای یادگیری دارند و دعای ندبه به آن‌ها کمک می‌کند تا آرامش پیدا کنند.
۳. انگیزه و الگوسازی: در هیأت، از شخصیت‌های موفق صحبت می‌شود که هم علم آموز بوده‌اند و هم اهل عبادت. دیدن این الگوها انگیزه دانش‌آموزان را برای تلاش علمی افزایش می‌دهد.
۴. مدیریت زمان: دانش‌آموزان هیأتی یاد می‌گیرند که وقتشان را

۵. هدفمند کردن زندگی: نوجوان امروز از بی‌هدفی رنج می‌برد. وقتی او باور کند که زندگی‌اش باید زمینه‌ساز ظهور منجی باشد، همه چیز برایش معنا پیدا می‌کند. درس خواندن، تلاش کردن و حتی سختی کشیدن برای او هدفمند می‌شود؛ او می‌خواهد در زمان ظهور، سرباز خوبی برای امامش باشد. ما در روضه‌ها سعی می‌کنیم به نوجوانان این فرهنگ را منتقل کنیم که انتظار، صرفاً گریه کردن نیست؛ بلکه ابراز عشق و ارادت است. انتظار یعنی شبیه کسی شدن که منتظرش هستی؛ منتظر امام عدالت باید عادل باشد، منتظر امام صلح باید صلح‌طلب باشد و منتظر امام پاکان باید پاک زندگی کند. این تحول واقعی است که در نوجوان منتظر ایجاد می‌شود.»

« اولین باری که دعای ندبه را با حضور دانش‌آموزان خواندید چه احساسی داشتید؟ آیا لحظه‌ای بوده که احساس کنید ندبه و روضه واقعاً در حال اثرگذاری است؟ »

«اجازه دهید صادقانه بگویم. در طول زندگی‌ام در جلسات روضه و دعای زیادی شرکت کرده‌ام، اما هیأت مدرسه حال و هوای خاصی دارد. این فضا برای من سرشار از صمیمیت و پاکی است.

خجل نشوم، فردی فعال است.

۲. عدالت‌خواهی: منتظر امام عادل باید خود نیز عادل باشد. او باید در محیط‌های کوچک خود - مانند مدرسه و خانواده - عدالت را تمرین کند. رفتار منصفانه با دوستان و بی‌تفاوت نبودن در برابر ظلم از نشانه‌های نوجوان منتظر است، چراکه او می‌داند امامش برای نابودی ظلم می‌آید.»

۳. تقویت "صلح و دوستی": منجی ما پیام‌آور صلح و دوستی است، بنابراین نوجوان منتظر باید این ویژگی‌ها را در خود پرورش دهد. او باید با همکلاسی‌هایش دعوا نکند، از کینه‌ها بگذرد و با دیگران مهربان باشد. خشونت و کینه با فرهنگ انتظار سازگار نیست.

۴. تبدیل "ظلم‌ستیزی" به وظیفه‌ای دائمی: اگر امام قرار است ظلم را ریشه‌کن کند، پس من نمی‌توانم در برابر ظلم بی‌تفاوت باشم. وقتی بی‌عدالتی می‌بینم، باید بایستم و دفاع کنم. نوجوان منتظر، "بله‌قربان‌گو" نیست و در برابر ظلم می‌ایستد.

و خنثی تبدیل می‌شود.

۴. کمبود "الگو": در هیأت، دانش‌آموز با شخصیت‌هایی همچون امام حسین علیه‌السلام و حضرت مهدی علیه‌السلام ارتباط برقرار می‌کند. این الگوها فراتر از ستاره‌های سینما و ورزشکاران هستند و به نوجوانان یاد می‌دهند که می‌توان انسان کاملی بود و برای آرمان‌های بزرگ زندگی کرد و حتی جان داد.»

« شما در روضه‌هایتان از «انتظار» زیاد صحبت می‌کنید. انتظار دقیقاً چه تغییری در رفتار نوجوان ایجاد می‌کند؟ »

«این سوال بسیار کلیدی است، چراکه به یکی از اساسی‌ترین مفاهیم شیعه، یعنی "انتظار" می‌پردازد. انتظار در فرهنگ ما هرگز به معنای دست روی دست گذاشتن نیست؛ بلکه یک "فرهنگ"، یک سبک زندگی و یک جهت‌گیری دائمی است. وقتی ما در روضه‌های مدرسه از انتظار صحبت می‌کنیم، چه تغییری در نوجوان ایجاد می‌شود؟

۱. امید فعال: نوجوانی که منتظر ظهور منجی است، به آینده امید دارد. او می‌داند که جهان به همین شکل نامطلوب باقی نمی‌ماند و قرار است عدالت برپا شود. این امید او را منفعل نمی‌کند، بلکه او را به فعالیت وادار می‌کند. کسی که می‌گوید "من باید طوری زندگی کنم که وقتی او آمد،

که این کار، کار خداست و ما فقط وسیله‌ایم. راستش را بخواهید، در اینجا بیشتر از هر جای دیگری حس آرامش و نزدیکی داشته‌ام. شاید زیرا خبری از ریا و خودنمایی نیست و این بچه‌ها با دل‌های پاک و صادق آمده‌اند. بنابراین، اثرگذاری را در هر مراسم حس کرده‌ام؛ در چشم‌های خیس بچه‌ها، در دست‌های بلند شده به سوی آسمان و در دل‌هایی که برای امام زمانشان می‌تپد. این بزرگ‌ترین پاداش برای من است.»

اولین باری که دعای ندبه را با دانش‌آموزان خواندم، حس عجیبی داشتم. ترس شیرینی داشتم و نگران بودم که بچه‌ها چه واکنشی نشان می‌دهند. اما وقتی دعا شروع شد و چشم‌های بعضی از بچه‌ها را خیس دیدم، حسی به من دست داد که این فضا، این دعا، دارد کار خود را انجام می‌دهد. بله، بارها احساس کرده‌ام که در حال اثرگذاری هستم. یک بار یکی از دانش‌آموزان پیش من آمد و گفت: "آقا، من تا حالا اینطور گریه نکرده بودم. دلم عجیب شده." در آن لحظه متوجه شدم



یادداشت سردبیر

شماره اول «سربازان امام حاضر عج» اعلام حضور بود؛ اما شماره دوم، سخن از مسئولیت است:

مسئولیت در عصر

التهاب

در روزگار سرعت و شایعه، مکث
یک فضیلت است

ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که التهاب، زودتر از تحلیل شکل می‌گیرد؛ خبرها پیش از فهم منتشر می‌شوند، قضاوت‌ها پیش از تحقیق تثبیت می‌شوند، و واکنش‌ها گاهی جای اندیشه را می‌گیرند. در چنین فضایی، بی‌طرفی منفعلانه کافی نیست؛ اما هیجان بی‌مهار هم راه‌حل نیست.

رمضان، تمرین مهار خویشتن است؛ نوروز، یادآور امکان نو شدن. و مدرسه، باید تمرین بلوغ اجتماعی باشد. در این شماره، تعهد ما روشن است: تقویت عقلانیت، ساختن فضای گفت‌وگو، و پیوند ایمان با فهم.

عصر التهاب می‌گذرد؛ اما نسلی که در آن تربیت می‌شود، آینده را رقم خواهد زد. بهار در راه است؛ و آینده، بیش از هر زمان دیگری، به مسئولیت ما وابسته است.



«سربازان امام حاضر عج» برای ما یک نام صرف نیست؛ بیانگر تعهدی تربیتی است. سرباز زمان بودن، یعنی آگاه بودن، یعنی اسیر موج نشدن، یعنی در التهاب، اخلاق را نگه داشتن.

ما قرار نیست نسلی تربیت کنیم که صرفاً تکرارکننده صداهای بلند باشد؛ می‌خواهیم نسلی شکل بگیرد که قدرت تحلیل داشته باشد، در اختلاف‌ها اهل گفت‌وگو باشد، و در تصمیم‌ها مسئولیت‌پذیر.

آنچه زمانه از ما می‌خواهد، مسئولیت است. مسئولیت یعنی توان مکث کردن در میانه موج‌ها. یعنی شنیدن پیش از داوری. یعنی فهمیدن پیش از موضع‌گیری. مدرسه اگر فقط محل انتقال محفوظات باشد، از نقش تاریخی خود عقب مانده است. مدرسه باید جایی باشد برای تمرین تعادل؛ جایی که نوجوان بیاموزد چگونه در فضای پرسد، صدای عقل را تشخیص دهد.

کاشتی و رفتی سبز می‌مانیم

در تاریخ هر ملتی، شخصیت‌های بزرگ و تأثیرگذار هستند که با زندگی و فداکاری‌های خود، مسیر آینده آن ملت را ترسیم می‌کنند. شهادت امام خامنه‌ای، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران، یکی از آن لحظات تاریخی است که جان و دل همه ما را تحت تأثیر قرار داده و داغی عمیق بر دل‌هایمان نشسته است. در این صفحه، یادداشت تکمیلی سردبیری را می‌خوانید که به بیان احساسات و افکار ما پس از این حادثه تلخ می‌پردازد. این یادداشت به ما یادآوری می‌کند که باید با همبستگی و عزم راسخ، راه امام خامنه‌ای را ادامه دهیم و در سایه آموزه‌های او، به سوی آینده‌ای روشن و پرامید گام برداریم. بیایید با هم در این سفر، یاد او را گرامی بداریم و نشان دهیم که روح مبارز و آزاداندیش او در دل‌های ما همیشه زنده است.

در تاریخ پرفراز و نشیب کشورمان، روزهایی به یادگار می‌مانند که باید به تقدس و عظمت آن‌ها اشاره شود، روزهایی که در آن، انسان‌های بزرگ با افکار و آرمان‌های والایشان، یادگارهایی گرانبها از خود باقی می‌گذارند. شهادت امام خامنه‌ای، رهبر عزیز انقلاب اسلامی ایران، یکی از آن روزهاست که نامش در دل و ذهن ملت ایران جاودان خواهد ماند.

امام خامنه‌ای، نه تنها رهبری فرزانه و بصیر، بلکه الگوی ایستادگی و فداکاری در برابر ظلم و ستم جهانیان بود. او با رفتار و افکارش، راهی را نشان داد که پر از محبت، عشق و فداکاری برای دیگران بود. او یادآور دینی زنده و پویا بود که بر اساس آن، باید به هم نوعان خود خدمت کنیم و در راستای تحقق عدالت گام برداریم.

به یاد او، ما بر آن هستیم تا مسیر او را ادامه دهیم و به آرمان‌هایی که او برای آن‌ها جهاد کرد، جان‌فشانی کنیم. شهادت او ما را به اندیشیدن در مورد رسالت‌های فراموش‌نشده‌مان دعوت می‌کند. او با زندگی‌اش به ما آموخت که هر کدام از ما می‌توانیم نقطه عطفی در تغییر جامعه‌مان باشیم.

فراموش نکنیم که او باقی‌مانده‌ای از عشق و صبر است و حالا بر ماست که با همدلی و همبستگی، نه تنها یاد او را زنده نگه داریم بلکه با قدم‌هایی استوار و محکم به سوی تحقق آرمان‌هایش گام برداریم. شهادت او نه پایان، بلکه آغاز مسیری جدید برای ماست.

پس، از آن روز کاشته‌ایم و عزم کرده‌ایم که «سبز بمانیم» و درخت امید و آزادی را در دل‌هایمان بکاریم. این ما هستیم که می‌توانیم با اتحاد و همبستگی، به یاد او و عزیزانی که برای آرمان‌های راستین‌شان جانشان را فدا کردند، کشورمان را به سمت آینده‌ای روشن‌تر سوق دهیم.

در این مسیر، هیچ چیز نمی‌تواند به ما آسیب برساند، چرا که ما بر درخت استقامت و عشق ریشه زده‌ایم و با یاد و نام او، همگام با یکدیگر به سوی موفقیت و پیشرفت گام خواهیم برداشت.

ایمان داریم که روح بلند امام خامنه‌ای همواره در میان ما زنده است و همچنان به ما الهام می‌بخشد که در برابر چالش‌ها ایستادگی کنیم و به اهدای زندگی‌مان به آرمان‌های بزرگ، ادامه دهیم.

کاشتی و رفتی، سبز می‌مانیم...

ما با یاد و نام تو، همچنان ایستاده‌ایم و بر سر عهد و پیمان‌مان با تو و دیارمان، با کمال افتخار، ادامه خواهیم داد.

سبز بمانیم

و درخت امید و آزادی را در

دل‌هایمان بکاریم.



رمضان به روایت طاهها

گاهی برای فهم یک حقیقت بزرگ، باید از زاویه نگاه یک کودک به آن نگاه کرد.



در نقاشی طاهها، شیطان با زنجیر بسته شده و ماه و فانوس رمضان در آسمان دیده می‌شود؛ اشاره‌ای کودکانه اما دقیق به این باور که در ماه رمضان، شیطان در بند است و فرصت رشد برای انسان بیشتر می‌شود.

در ماه رمضان چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟

ماه رمضان فقط مخصوص عبادت فردی نیست. می‌توانیم هم درس بخوانیم، هم مسجد برویم، هم بازی کنیم و هم کنار خانواده بنشینیم و کتاب بخوانیم. حتی می‌توانیم کتاب‌هایی را که در زنگ کتابخوانی می‌خوانیم، به بزرگترها معرفی کنیم. رمضان فرصت رشد متعادل است.

پرسشی از آقای محمدی
(مربی کتابخوانی)

در ماه رمضان چه کاری مهمتر است؟

با دیگران با احترام رفتار کنیم، دعوا نکنیم و مراقب حرف‌هایمان باشیم.

پرسشی از خانم ریسی
(مربی پایه دوم)

در ماه رمضان چه کاری بهتر است انجام دهیم؟

باید به توصیه‌های معلمان و مربیان گوش بدهیم و تلاش کنیم رفتارمان بهتر از قبل باشد.

پرسشی از خانم رشیدی
(مربی پایه اول)

یک نکته تربیتی

سادگی سؤال‌های طاهها و پاسخ‌های کوتاه معلمان، یادآور یک حقیقت مهم است:

اگر به دانش‌آموز فرصت پرسیدن داده شود، مدرسه از یک فضای آموزشی صرف، به محیطی برای رشد شخصیت تبدیل می‌شود.

شاید حرفه‌ای‌ترین بخش این صفحه، همین جسارت یک دانش‌آموز کلاس چهارمی باشد که دفترچه به دست، سراغ مدیر و معلمان می‌رود و می‌پرسد: «ماه رمضان یعنی چه؟» و همین پرسش ساده، آغاز تربیت است.



طاهها ملکی | خبرنگار افتخاری | کلاس چهارم

طاهها ملکی، یکی از خبرنگاران افتخاری ماهنامه «سربازان امام حاضر (عج)» در این شماره؛ از ماه مبارک رمضان نوشت، نقاشی کشید و با مدیر و معلمان مدرسه گفت و گو کرد. آنچه می‌خوانید، روایت صادقانه یک دانش‌آموز کلاس چهارمی از «ماه مهمانی»

وقتی ماه رمضان شروع می‌شود، حس می‌کنم ما مهمان ویژه خدا هستیم. انکار خدا برای ما یک سفره بزرگ از نعمت‌هایش پهن کرده است. به نظرم در ماه رمضان آدم‌ها مهربان‌تر می‌شوند؛ یا بهتر است بگویم باید مهربان‌تر باشند. مادرم می‌گوید در این ماه فرشته‌ها بیشتر پیش ما می‌آیند. برای من، یکی از زیباترین لحظه‌های رمضان، شامی‌هایی است که مادرم با عشق برای افطار آماده می‌کند. آن لحظه‌ها حس می‌کنم خانه‌مان پر از نور و آرامش می‌شود. به نظرم ما آدم‌ها از اول ماه رمضان تا آخرش نباید همان آدم قبلی باشیم. من از خودم انتظار دارم که بعد از این ماه، بهتر از قبل شده باشم. ماه رمضان یکی از بهترین ماه‌هاست برای دیدن نعمت‌ها، قدر دانستن عشق مادر، یاد کردن از فرشته‌ها و فرصتی برای بهتر کردن خودمان.

پرسش‌های یک خبرنگار کوچک

طاهها برای تکمیل گزارش خود، سراغ مدیر و چند نفر از معلمان رفت.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین خداپرست (مدیریت مدارس مفتاح)

۱. ماه رمضان چه ویژگی مهمی دارد؟ و چرا برای ما مسلمان‌ها عزیز است؟

۱. ماه رمضان چه ویژگی مهمی دارد؟ و چرا برای ما مسلمان‌ها عزیز است؟

اولاً باید این رو بگویم که مدرسه مفتاح با تمامی مدارس فرق می‌کند برنامه خداوند در ماه مبارک رمضان نیز با برنامه او در بقیه ماه‌ها متفاوت است از این رو ما هم در مجموعه مدارس مفتاح با توجه به ماه مبارک رمضان تفاوت‌هایی را در برنامه‌های خود ایجاد کرده ایم اولاً اینکه برای رفاه حال مربیان و دانش‌آموزان ساعت آموزشی را کاهش داده ایم و ثانیاً برنامه‌های متعدد و متنوعی در این ماه پیش بینی شده است که از جمله می‌توان به برگزاری مراسم افطار در روزهای چهارشنبه، برگزاری مراسم احیای شب‌های قدر، برپایی هیئت دانش آموزی، برگزاری مراسم وفات حضرت خدیجه سلام الله علیها و میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام و برنامه محفل انس با قرآن اشاره کرد.

ماه رمضان ماه مهمانی خداست بندگان دوست دارند سر سفره لطف الهی بنشینند خداوند میزبان بنده‌های خود است و برای مهمان‌های خود هدیه‌هایی قرار داده است وقتی خدا بخواد میزبان باشد معلوم است که مهمانی خیلی فرق می‌کند همه چیز خیلی بهتر است دست و پای شیطان بسته و همه چیز برای بندگی فراهم است

۲. یک دانش‌آموز چگونه می‌تواند در ماه رمضان اخلاق بهتری داشته باشد؟

خداوند متعال در قرآن کریم در بسیاری موارد صبر را به معنای روزه به کار برده است پس ما در واقع با روزه گرفتن در حال تمرین صبر کردن هستیم و یکی از نکات بسیار مهمی که می‌تواند باعث رشد و پیشرفت ما شود بالا بردن صبر و طاقت و تاب آوری است و به عبارت دیگر روزه انسان را صبور و با اخلاق بار می‌آورد.

در این شماره، همراه می‌شویم با یادداشتی از بردیا نعمتی؛ از دانش‌آموزان سال‌های گذشته‌ی مدرسه که امروز در مسیر کتکور و در عین حال، فعال در عرصه رسانه است. بردیا تلاش می‌کند با تکیه بر تجربه شخصی و نگاه تحلیلی خود به مسائل روز، نوجوانان را به یک دعوت مهم برساند: فکر کردن قبل از واکنش. این یادداشت نه دستورالعمل است، نه داوری و نه نسخه‌پیچی؛ بلکه تلاشی است برای باز کردن مسیر اندیشیدن، پرسیدن و دقیق‌تر دیدن اتفاق‌هایی که هر روز با آن‌ها روبه‌رو می‌شویم. در روزگاری که سرعت خبر از سرعت تحلیل بیشتر شده، شاید مهم‌ترین مهارت، «درنگ کردن» باشد. همراه ما باشید در ستون:

**از امروز چه خبر؟
بیاهم فکر کنیم!**



فرض کن از یک اتفاق ناراحتی. حس می‌کنی بی‌عدالتی شده. دلت می‌خواهد فریاد بزنی، واکنش نشان بدهی، سکوت نکنی. سؤال اینجاست: این فریاد تو «اعتراض» است یا ممکن است تبدیل به «اغتشاش» شود؟

اعتراضی یا اغتشاشی

مرز باریک بین فریاد و تخریب! تو کجای ماجرا ایستاده‌ای؟

مطالبه نکنی. مطالبه‌گر باشی، اما بازیچه نشوی. حرف بزنی، اما فکر کرده. و حالا سؤال مهم برای تو: اگر روزی با مسئله‌ای روبه‌رو شوی که تو را عصبانی می‌کند، چه کار می‌کنی تا اعتراضت عاقلانه باشد و نه هیجانی؟ آیا مهارت‌ش را داری؟

منتظر تحلیل‌ها، یادداشت‌ها، و گزارشات شما هستیم

«من دارم تحلیل می‌کنم یا فقط هیجانی شدم؟» بداند تخریب اموال عمومی یعنی آسیب به مال خود مردم. یاد بگیر حرف بزنی، گفت‌وگو کند، نقد کند؛ نه اینکه فقط خشمش را خالی کند. گاهی بزرگ‌ترین شجاعت این است که در اوج هیجان، آرام بمانی. چرا بعضی اعتراض‌ها به خشونت می‌رسند؟ چون شایعه سریع‌تر از حقیقت می‌دود. چون جمعیت، آدم‌ها را احساسی‌تر می‌کند. چون بعضی جریان‌ها از خشم جوان‌ها سوءاستفاده می‌کنند. و چون مهارت گفت‌وگو را کمتر یاد گرفته‌ایم. اگر تفکر نباشد، حتی یک مطالبه درست هم می‌تواند به مسیر اشتباه کشیده شود. شاید سرباز واقعی ارزش‌ها بودن یعنی همین: عدالت خواه باشی، اما عدالت را با بی‌عدالتی

نگاه دینی چه می‌گوید؟ در دین، هم عدالت‌خواهی ارزش است و هم جلوگیری از فساد. یعنی هم سکوت در برابر ظلم درست نیست، و هم ایجاد ناامنی و تخریب درست نیست. قرآن از «اصلاح» حرف می‌زند، نه از «آشوب». پس یک جوان مؤمن قرار نیست بی‌تفاوت باشد؛ اما قرار هم نیست هر موجی او را با خودش ببرد. نقش ما نوجوان‌ها چیست؟ بیایید صادق باشیم: در زمان ناآرامی‌ها، بیشترین تأثیر روی چه کسانی است؟ جوان‌ها. چرا؟ چون احساسات قوی دارند، دنبال عدالت‌اند، و سریع‌تر تحت تأثیر فضای مجازی قرار می‌گیرند. یک دانش‌آموز آگاه می‌تواند متفاوت عمل کند: قبل از بازنشر یک خبر، چند دقیقه تحقیق کند. از خودش بپرسد:

این دو واژه این روزها زیاد شنیده می‌شوند؛ اما خیلی وقت‌ها بدون اینکه دقیق بفهمیم فرقی بین چیست، از آن‌ها استفاده می‌کنیم. اعتراض یعنی ناراضی بودن و شجاعت گفتن آن. یعنی مطالبه‌گری. یعنی اینکه بگویی «من این وضعیت را درست نمی‌دانم». در یک جامعه پویا، اعتراض نشانه بی‌تفاوت نبودن است. آدم‌های بی‌خیال اعتراض نمی‌کنند. اما اغتشاش زمانی شروع می‌شود که عقل کنار می‌رود و هیجان فرمانده می‌شود؛ وقتی تخریب، خشونت، توهین و آسیب زدن وارد صحنه می‌شود. آن‌جا دیگر مسئله فقط «بیان حرف» نیست، بلکه «آسیب رساندن» است. مرز این دو خیلی باریک است؛ مرزی به اندازه فاصله‌ی بین «فکر کردن» و «فقط واکنش نشان دادن».

ستون ثابت «درگوشی» جایی است که مربیان با صدای صادقانه و بی‌پرده خود، نظرات و تجربیاتشان را با مخاطبان ماهنامه «سربازان امام حاضر عج» در میان می‌گذارند. این ستون فرصتی است برای گفتگو درباره چالش‌ها و زیبایی‌های دنیای تربیتی کودکان و نوجوانان، و به نوعی پل زدن میان دل و قانون در فضای آموزشی.

لقمه‌های یواشکی زیرمیز

در دنیای کودکان، هر روز یک ماجراجویی جدید آغاز می‌شود؛ جایی که تخیل و واقعیت به زیبایی در هم می‌آمیزند. در این داستان، ما به سراغ یکی از لحظات شیرین و زیبا در کلاس اول می‌رویم، جایی که بچه‌ها با قلب‌های پر از شوق و اشتیاق، به یادگیری و کشف دنیای پیرامونشان پرداخته و خوش‌گذرانده می‌شوند.

خانم رشیدی، مربی دلسوز و با تجربه پایه اول، به خوبی می‌داند که هر روز در کلاسش، فرصت‌های منحصر به فردی برای خلق خاطراتی به یادماندنی فراهم می‌شود. در این بین، لقمه‌های یواشکی زیر میز، نمادی از بازیگوشی و شیرینی‌های کودکان هستند که نه تنها نشان‌دهنده احساسات و هیجان‌های کودکان، بلکه گویای یادگیری و تجربه‌های جدید آن‌ها نیز می‌باشند. بیایید با هم به دنیای شیرین و شگفت‌انگیز آن‌ها سفر کنیم.



- حس کنجکاوی و بازیگوشی در دنیای کودکان
 - داستان‌هایی از لحظات شیرین و پنهانی
 - دنیای کوچک ماجراجویی‌ها در کلاس درس
 - زمانی برای یادگیری و خوشحالی در کنار مربی در:
- یادداشت | خانم رشیدی | مربی پایه اول





لپ هایش پر از نان و پنیر و سبزی بود که مادر برایش با عشق پیچیده. سامین را می گویم. زیرچشمی به من نگاه می کرد و تند تند می جوید. و من انگار که نمی بینم زیر میز دارد چه اتفاقی می افتد؟! ناگهان از آن سر کلاس با صدایی بلند؛ «خانم معلم سامین داره یواشکی لقمه می خوره» با خودم گفتم؛ «ای امیرعلی کنجکاو! ایکاش نمی دیدی! حالا معلوم نیست چه بلایی سر آسمان بادکنکی اش می آید؟!»

سامین که برگی از سبزی زیر لب هایش، گفته های امیرعلی را تایید می کرد، مانند بغضی فرو خورده، پر از معصومیت به من می نگرست. از همان نگاه های حسام توی حیاط، در پاسخ به سوال من که از او پرسیده بودم: «چرا مثل فشنگ می دوی؟!»

به من گفته بود: «خانم داریم بازی می کنیم دیگه»، حرفش مثل آواری روی سرم فرو ریخت. پاسخ او منطقی ترین جواب در دنیای کودکانه بود. او نگران ثانیه هایی که جلوتر از او می دویدند تا زنگ تفریح تمام شود. و من نگران دست و پای کوچکش که مبادا خراش بردارد. بگذریم ...!

چه کار کنم این لقمه ی باعشق کوفتش نشود؟! پناه بردم به «مصدر خوردن با ضمیر من» و گفتم:
- بیا پای تابلو ببینم سامین! اگر جمله ای که می گویم اشتباه است صحیح آن را بگو:
«من لقمه خوردی»

- «خانم من لقمه خوردم» درست است.

- با اُخمی به هم پیچیده پرسیدم: «مگه تو داشتی لقمه می خوردی؟!»

با خنده ای زورکی که مثلا کلامش را شیرین و خودش را برایم لوس کند. و صدایی که از ترس تنبیه شدن می لرزید گفت: «خانم من می خواستم نمایش این سوال رو برای بچه ها اجرا کنم دیگه برای همین یه لقمه خوردم. خیلی کوچولو بود.»

خودمانیم، قضیه را خوب جمع و جور کرد. این طوری پاسخی برای بچه ها داشتم. ولی او هم باید متوجه اشتباهش می شد.

با کلامی شبیه اساتید فرهیخته گفتم: «ببین پسر ما بدون اجازه، نمی تونی اجرای نمایشی داشته باشی باید حتما از من اجازه بگیری!»

- چشم خانم دیگه اینکار رو نمی کنم ...

رفت و نشست رفتنی که شبیه گریختن بود.

اوففف سامین!!! اینبار خوب با کلمات، روی موج منفی های بد قیافه تاختی، امیدوارم دیگر خطایی خلاف مقررات کلاس انجام ندهی. در دلم از گذر این ثانیه ها که سبز و آرام گذشت راضی بودم که ناگهان امیر علی کنجکاو ... نه! امیدوارم گزارشی جنجالی از چهار کُنج کلاس نباشد:

- «خانم معلم! سامین یواشکی رفته زیر میز داره آب می خوره»

خدای من! چند جرعه آب پس از خوردن آن لقمه های دو لپی چقدر می چسبید. اما حالا دیگر، مبحث مصدرها تمام شده بود چطور می شد ستاره های آسمان بادکنکی سامین را، حفظ کرد؟!!

تابلو را نصفه نیمه پاک کردم،

«خیلی تشنه بودم. نمی تونستم تا زنگ تفریح تحمل کنم.»

همه ی این ها توجیهاتی بود در نگاه کودکانی او، که منفی های بی احساس را همه می کرد.

ناگهان صدای زنگ، مسیر نگاهمان را در هیاهوی فرار بچه ها به سمت دویدن های فشنگی، گم کرد. چقدر من و سامین ممنون «زمان» بودیم ...

زنگ فارسی گذشت، و من منتظر زنگی دیگر، از گذر رنگارنگ ثانیه های کلاس در حالی که تابلو زیر دست هایم می درخشید، سفید و پاک؛ درست مثل سامین، امیر علی، حسام و مابقی بچه های مدرسه.



ستون «آقا جان سلام» در هر شماره از ماهنامه «سربازان امام حاضر (عج)»، تلاشی است برای نوشتن از نسبت ما با انتظار؛ نه صرفاً به عنوان یک مفهوم مذهبی، بلکه به عنوان یک مسئولیت روزمره. اگر در شماره‌ی پیشین، صدای دانش‌آموزان را شنیدیم، این‌بار تصمیم گرفتیم روایت را یک قدم عقب‌تر ببریم؛ به جایی که شخصیت‌ها شکل می‌گیرند، به خانه. انتظار، پیش از آنکه در شعارها دیده شود، در تربیت متولد می‌شود. در گفت‌وگوهای ساده‌ی سر سفره، در تذکرات آرام پیش از خواب، در دعای بی‌صدای یک مادر.

در این شماره، مادر دو دانش‌آموز مفتاحی، از سهم مدرانه اش در ساختن «سربازان فردا» می‌نویسد؛ روایتی صادقانه از مسئولیتی که کمتر دیده می‌شود، اما عمیق‌ترین اثر را دارد. آنچه می‌خوانید، نامه‌ای شخصی است، اما دغدغه‌ای جمعی را بازگو می‌کند. و در ادامه؛ دلنوشته‌ای کوتاه از مشاوره مدرسه مفتاح را خواهید خواند:



خانم حبیب‌الهی (اولیای دانش‌آموز)

آقا جان، سلام! لطفاً سلام من را به آقا و امام شهیدمان برسانید. آقا جان، شما که در میان ما نبودید، آقای شهیدمان بود. وقتی دل‌مان می‌گرفت، به او می‌گفتم برایمان دعا کند تا شما زودتر بیایید. وقتی دل‌مان برایتان تنگ می‌شد، سخنان آقای شهیدمان نه تنها دل‌تنگی‌مان را برطرف می‌کرد، بلکه نویدبخش و روشنایی‌بخش راه زندگی‌مان می‌شد.

حال چه کنیم؟! حالا که آقای شهیدمان پیش شماست! وقتی او را شهید کردند، گفتند: "چه شد؟ مگر قرار نبود سید و آقایان پرچم را به دست امام زمان برساند؟" آقا جان، این روزها تاریکی بیش از اندازه بر گلوی ما فشار می‌آورد. آقدر نیامدی که آن‌هایی که خود باطلند، خط بطلان بر آمدت‌تان کشیدند. آقا جان، ما که می‌دانیم شما خواهید آمد، خواهید آمد و تمام تاریکی را از کل دنیا پاک خواهید کرد. اما در این زمان که همه دنیا با ما در جنگ است، آیا نشانه‌ای از جنگ بین نور و تاریکی نیست؟ آیا واضح نیست که امروز یک دست امام زمانمان مانند حفاظ بر سر ما قرار دارد و با دست دیگر با دشمنان می‌جنگد؟

این روزها که روزهای صبر و مقاومت است، نه تنها در میدان جنگ با دشمن بلکه در میدان جنگ نفس، ما تنها ظهورت را می‌خواهیم. ای منجی بشریت! به حمد و سپاس فراوان که در شب اول قدر، امام سوم جمهوری اسلامی که نویدبخش آینده‌ای روشن است، انتخاب شد.

آقا جان! پس امیدمان بیشتر و زنده‌تر شد برای آمدت‌تان و ظهور زودترتان در این شب‌های پر نور رمضان. پس ما منتظریم که در این ایام، ظهورت را جشن بگیریم. ما همه پای کارتان ایستاده‌ایم، چه در میدان جنگ و چه در میدان نشان دادن حق از باطل!

آقا جانم، من یک مادرم، مادری که نگران آینده و دنیای پر صدای امروز است. صداهایی که گاهی راه را چنان روشن نشان می‌دهند که می‌ترسم کودکانم گمراه شوند. من، می‌خواهم پسرانم صدای شما را نه فقط با گوش، بلکه با دل بشنوند و در انتظار شما روی کار باشند. نه فقط با دعا، بلکه با راستگویی و بخشش، با گرفتن دست ضعیفان و نشکستن دل دوستانشان. هرچند به ضررشان باشد ...

آقا جانم! در تمام شب‌هایی که برای صالح بودنشان اشک ریختم و برای پاک ماندنشان دعا کردم، به یاد رسیدن به شما بوده است. پس کمک کنید تا دو سرباز در راهتان تربیت کنم و راهی جز در راه شما قدم بر ندارند.

آقا جان! ما مادرها شاید در صف اول نباشیم، اما پشت هر سرباز دل مادری ایستاده است و من با همه‌ی توانم تلاش می‌کنم این دو امانت وقتی به شما می‌رسند، سربلند باشند. اللهم عجل لولیک الفرج

این ماه، یک کار خوب کوچک انجام بده که فقط برای آقا جان باشد؛ یک مهربانی، یک کمک، یک لبخند پنهانی یا یک دعا برای دیگران.

نکته مهم: کاری که می‌کنی، نه برای دیده شدن، بلکه برای دل خودت و دل منتظران امام زمان (عج) باشد. پاسخ خود را می‌توانید روی برگه‌ی مخصوص به آیدی سردبیر در پیام‌رسان سروش ارسال کنید. بیشترین تلاش‌های خالصانه، در شماره بعدی ماهنامه معرفی می‌شوند و نام شما در بخش «سرباز کوچک منتظر» چاپ خواهد شد.

مصادقه‌ی انتظار فرج



♦ ملت ایران درسهای اسلامی و شیعی خودش را خوب بلد است؛ میداند که چه کار کند. امام حسین (ع) فرمود: مثلی لا یُبايِعُ مثل یزید؛ کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمیکند. ملت ایران در واقع میگویند: ملتی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سردمدارانی مثل افراد فاسدی که امروز در آمریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد.

در دنیای معاصر، جایی که چالش‌ها و بحران‌های گوناگون بر سر راه ملت‌ها قرار دارد، تفکر و تأمل در مورد عواملی که بر سرنوشت کشورها تأثیر می‌گذارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. یادداشت زیر نوشته‌ی خانم رشیدی، نگاهی عمیق و نقدآمیز به مواضع و تأملات در زمینه رهبری و مسئولیت‌های ملی در مواجهه با تهدیدات خارجی و داخلی است.



یادداشت | خانم رشیدی

مگر رهبر، بَدَلِ نداشت؟

تحلیلی بر ابهامات و سؤالات پیرامون شهادت رهبری و مسئولیت‌های ملی در مواجهه با چالش‌های پیش روی کشور

این نوشتار با رویکردی انسانی و دوستانه، مخاطب را به اندیشیدن در مورد شرایط کنونی و الزامات همبستگی دعوت می‌کند. او با بیان سؤالاتی کلیدی و چالش‌برانگیز، فضایی را برای بررسی ذهنیات و نیازهای هم‌میهنان فراهم می‌آورد. در شکوفایی و پویایی جامعه، همدلی و درک متقابل از ضروریات است و بر این اساس، خانم رشیدی با نگاهی نو و جدی به چالش‌های امروز پرداخته و از ما می‌خواهد تا در کنار یکدیگر، مسیر آینده را با تفکر و مصلحت‌اندیشی‌ای مستحکم‌تر بسازیم. این یادداشت منتخب به همگان یادآوری می‌کند که در مواجهه با تهدیدات، همبستگی و انسان‌دوستی از هر چیزی اهمیت بیشتری دارد. با امید به این که این یادداشت الهام‌بخش خوانندگان باشد و آن‌ها را به تفکر و تأمل در موضوعات کلیدی کشور سوق دهد.

ان شالله فرصتی تا ظهور نمانده و شاید باز هم تو مجال اندیشیدن پیدا نکنی به هزار دلیلی که برای من منطقی نیست. اما من همچنان کنار توام و کنار ایران عزیزم. فقط بدان آن «خودشان» که تو می‌گفتی خیلی مظلوم و پاک بود! «التماس دعای تفکر»

بیش از ده سال است که گفته بودی رهبری بدل دارد و هر وقت یکی شان می آید برای سخنرانی. مگر رهبر را هنگام ناامنی ها ، نمی بردند به پناهگاهی که مردم نمی دانند کجاست آن هم با هلی کوپترهای شخصی مخصوص ؟!!! مگر تا کنون هر که شهید شد به دست اسرائیل غاصب ، تو نگفتی کار «خودشان» است.

آن هم با هلی کوپترهای شخصی مخصوص!

چشم ، حتما ، مصلحت اندیشی می کنیم. نه تنها به جان هم نمی افتیم؛ جان‌فدا هم می‌شویم. همین قدر با معرفت ، همین قدر مهربان. فقط هم وطن ! اگر خاطرت مکدر نمی شود!!! و ذهنت مشغولِ فکرهای نکرده! نه که بی فکر باشی نه، فقط حتما تهاجم بیگانگان به تو مجال نداده بود که کمی منصف باشی. چند سوال کوتاه از تو می پرسم ؛ مگر رهبر، بَدَلِ نداشت؟!

خبر ماهی‌پرستی ما

شماره ۲ | سال اول | فروردین ۱۴۰۵



روایتی از اردوی کلاس ششمی‌ها

به قلم محمدحسین شمس‌ی



می‌خواهم از یک روز رویایی برایتان بگویم که مطمئناً برای همکلاسی‌هایم نیز به یادماندنی بود. روز سه‌شنبه ۵ اسفند ۱۴۰۴، سفر به موسسه تحقیقات بین‌المللی تاس ماهیان دریای خزر آغاز شد. حتی قبل از اینکه حرکت کنیم، شور و هیجان میان ما بیداد می‌کرد. بچه‌ها با همدیگر شوخی و شیطنت می‌کردند و برخی از ما می‌خواستیم، طوری جا بگیریم که روی صندلی‌ها لم بدهیم و از منظره بیرون لذت ببریم. حس و حال بچه‌ها شبیه به صحنه‌های پر هیجان فیلم «اخراجی‌ها» بود؛ هرکدام نقش خود را با شیطنت ایفا می‌کردیم.

مفتاح هجاری شد!

هدایتی بر چالش‌های این روزهای کشور

رشت - به گزارش هیأت تحریریه ماهنامه سربازان امام حاضر عج: در شرایط خاص و چالش‌های موجود در دوران جنگ، مدارس تربیت قرآنی مفتاح رشت، اقدام به ارتقاء فرآیند آموزش مجازی کرد. با توجه به نیاز به استمرار تحصیل و حفظ کیفیت آموزشی، این مجموعه مدارس از قبل زیرساخت‌های لازم را برای این تغییر در اختیار داشت.

به این ترتیب، هر کلاس در این مدرسه دارای یک کانال مخصوص در پیام‌رسان سروش است که به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا ارتباطی مستقیم و مؤثر با مربی پایه و مربیان تخصصی دروس مختلف برقرار کنند. این تحول نه تنها باعث شده تا دانش‌آموزان به راحتی از آموزش‌های لازم بهره‌مند شوند، بلکه به تسهیل همکاری و مشارکت بین دانش‌آموزان و مربیان نیز کمک کرده است.

مربیان پایه و مربیان متخصص دروس با استفاده از این پلتفرم، برنامه‌های آموزشی را با کیفیتی مطلوب ارائه کرده و به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ می‌دهند.

همچنین واحد مشاوره مفتاح اقداماتی برای فضای روانی خانواده‌های عزیز در بحران‌های پیش آمده در کشور را انجام و برنامه ریزی و عملیاتی کرده است.

این روند نمونه‌ای از انعطاف‌پذیری و نوآوری در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌هاست و عزم و اراده ما را در ادامه‌ی مسیر آموزش و پرورش به نمایش می‌گذارد.

این مجموعه علاوه بر تلاش‌های آموزشی، به تربیت و سربازسازی برای ظهور امام زمان (عج) نیز توجه خاصی دارد و به عنوان الگوی متعالی در تربیت دینی و اجتماعی شناخته می‌شود. با ارائه خدمات آموزشی از مهدکودک تا دبیرستان، مدارس مفتاح رشت در محیطی دوستانه و با حمایت از اعتقادات و ارزش‌های دینی، به آموزش کارآمد و مؤثر می‌پردازند.

هر کلاس در این مجموعه مزین به نام مبارک معصومین (علیهم‌السلام) شده و این امر باعث می‌شود که تربیت دینی در کنار آموزش‌های علمی در اولویت قرار گیرد.

از ویژگی‌های برجسته این مدارس رویکرد مربی‌محور است. در این نظام آموزشی، به تفاوت بین مربی و معلم توجه ویژه‌ای شده و مربیان با تمرکز بر تربیت و ساخت شخصیت دانش‌آموزان، تلاش می‌کنند تا فردی متعهد و مسئول تربیت کنند. مربی در این فضا نه تنها به آموزش دروس بلکه به تربیت اخلاقی و فرهنگی نیز اهمیت می‌دهد.

بنابراین، مدارس مفتاح رشت به عنوان یک مدرسه غیرانتفاعی، با هدف بهینه‌سازی فرآیند آموزش و تربیت، به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که با آگاهی از ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی، به عنوان سربازان آگاه و متعهد برای آینده‌ی روشن و سازنده آماده شوند.

یکی در حال درست کردن صداهای خنده‌دار بود، دیگری به تقلید مربی باجنه‌مون می‌پرداخت که برعکس حاجی گرینوف فضا را برای شادتر کردن مدیریت می‌کرد.

با ورود به موسسه، بچه‌ها با هیجان در حال جستجو و دقت به جزئیات بودند. گروهی به سراغ تابلوهای مربوط به تحقیقاتی که در آن جا انجام می‌شد رفتند و در حالی که از شگفتی‌های آن عکس می‌گرفتند، با همدیگر به شوخی می‌پرداختند.

در آغاز، یکی از کارشناسان موسسه به معرفی انواع ماهی‌ها پرداخت. با ریزبینی و شگفت‌زدگی به توضیحات او گوش می‌دادیم. او از بیماری‌های ماهی‌ها شروع کرد و توضیح داد که چطور از گیاهان دارویی مانند آویشن برای بهبود وضعیت سلامتی آن‌ها استفاده می‌شود. هر وقت نامی از یک ماهی می‌برد، بچه‌ها با فریادهای «واو!» و «حالا دیگه حتماً باید توی مسابقات شرکت کنیم!» پاسخ می‌دادند.

در حین توضیحات، نام‌هایی مانند فیل ماهی (بلوگا)، تاس ماهی روسی (چالباش)، اوزون برون (سوروگا)، تاس ماهی شکم‌پهنه (شیپ) و تاس ماهی ایرانی (قره برون) به میان آمد. بچه‌ها با چشمان گرد و اشتیاق، عکس‌ها و نمونه‌های آن ماهی‌ها را مشاهده می‌کردند. یکی از بچه‌ها ناگهان پرسید: «آیا فیل ماهی واقعاً شبیه به فیل است؟» و این سوال باعث شد که

همه‌مان به خنده بیفتیم. کارشناس هم با لبخند جواب داد: «تنها نامش فیل ماهی است، اما او هیچ شباهتی به فیل ندارد!» یکی از نکات جالب تصور وفور خاویار بود. کارشناس توضیح داد که ۱۰ درصد از وزن هر ماهی خاویار است و در دنیا ۲۷ نوع ماهی خاویاری وجود دارد. بچه‌ها با تعجب به هم نگاه می‌کردند و برخی از ما به شوخی گفتیم: «باید برای کافی شاپ هامون خاویار بزنیم!».

در ادامه، توضیح دادند که در دریای خزر فقط ۷ نوع ماهی خاویاری وجود دارد و غذای آن‌ها نیز با دیگر ماهی‌ها متفاوت است. پروتئین بالا و حداقل پروتئین گیاهی در غذاهای این نوع ماهی‌ها الزامی است. بچه‌ها با دقت به توضیحات گوش می‌دادند و بعضی‌ها در حال نوشتن یادداشت‌های خنده‌دار بودند و یکی دیگر از همکلاسی‌ها به شوخی گفت که باید این اطلاعات را در امتحانات حفظ کنیم!

برای تهیه غذاها، از تکنولوژی‌های مدرن استفاده می‌شود و این کارشناس به ما نشان داد که چگونه با ترکیب مواد اولیه مختلف، غذاهایی شبیه حبه‌های قند تهیه می‌کنند. یکی از دوستان با خنده گفت: «به‌به! فکر کنم دیگر نیازی به قند توی جای نداریم!»

آنگاه، به سراغ استخرهای پرورش ماهی رفتیم. در این قسمت، بچه‌ها به شدت

کنجاکو بودند و هرکدام مشغول پرسیدن سوالات مختلف از مربیان شدند. یکی از بچه‌ها پرسید: «اگر آب استخر را عوض نکنیم، آیا ماهی‌ها سیاه می‌شوند؟» و مربی با لبخند توضیح داد که بله، نگهداری از آب به دقت بالایی نیاز دارد.

در حین گشت و گذار، یکی از همکلاسی‌ها به طور ناگهانی گفت: «حالا بچه‌ها یاد گرفتیم چطور ماهی‌ها را پرورش دهیم، آیا می‌توانیم یک مرکز پرورش ماهی راه بیاندازیم؟» و همه با شادی پاسخ دادند: «آره! می‌توانیم برندهای بزرگ آینده باشیم!» سر و صدا و هیجانی که در این فضا حاکم بود، به شدت روحیه گروه را شاداب‌تر کرده بود.

در آخرین بخش برنامه، کارشناس به ما یادآوری کرد که در کشور عزیزمان ایران بیش از ۲۰۰ نوع تاس ماهی وجود دارد و اینکه مراقبت از پایداری این گونه‌ها بسیار حائز اهمیت است. بچه‌ها با شگفت‌انگیز و جادویی برای ما کلاس ششمی‌ها به پایان رسید.



در خیابان‌های سیاهپوش رشت:

دسته حماسی نوجوانان

مفتاحی در عزای رهبر شهید

رشت | به گزارش هیأت تحریریه ماهنامه سربازان امام حاضر عج: روز سه‌شنبه، ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۴، دانش‌آموزان مدارس مفتاح در یک دسته حماسی پرشور و با شکوه، در عزای رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت امام سید علی خامنه‌ای، شرکت کردند.

این مراسم که به همت هیأت فرهنگی تربیتی امام حاضر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برگزار شد، نشان دهنده همبستگی و ارادت جوانان به آرمان‌های امام شهید بود.

یکی از دانش‌آموزان مفتاحی که از آوردن نامش خودداری کرد و دوست داشت گمنام بماند، در این باره گفت: «ما با شور و شوق بسیار به این مراسم آمده بودیم. حرکتان از حرم حضرت فاطمه اتری سلام‌الله‌علیها آغاز شد و دل‌هایمان پر از ارادت نسبت به امام شهید بود. در این آئین، با سر دادن شعار "یا منتقم" و "همه برای امام شهیدمان خواهیم آمد"، احساس کردیم که همه مفتاحی‌ها و حتی مردمی که به جمعمان اضافه می‌شدند یکپارچه و متحد در راه آرمان‌های ایشان ایستاده‌اند.»

او ادامه داد: «ما به عنوان نسل جوان، وظیفه داریم که آرمان‌ها و ارزش‌های امام شهید را ادامه دهیم. مراسم امروز به ما یادآوری کرد که هر یک از ما می‌تواند پرچمدار این رسالت باشد.»

حضور هیأت فرهنگی تربیتی امام حاضر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این مراسم نیز چشمگیر بود و نشان از تلاش این مجموعه برای ترویج و زنده نگه‌داشتن ارزش‌های اسلامی و انسانی داشت. دانش‌آموزان مفتاحی با شور و اشتیاق، یاد و خاطره رهبر شهید را گرامی داشتند و عشق خود را به آرمان‌های انقلاب اسلامی به نمایش گذاشتند.

این مراسم به خاطر همبستگی و وحدت جوانان در برابر چالش‌های کنونی، به یاد ماندنی خواهد بود و ثابت می‌کند که نسل جوان همچنان پاینده به آرمان‌های امام شهید هستند.

بیانیه رسمی مجموعه فرهنگی

تربیتی امام حاضر (عج):

تعهد خون‌دهی بنیادیم که...

بسم الله الرحمن الرحيم

ما اعضای خانواده بزرگ مفتاح ضمن تجدید بیعت با مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله، امام سید محبتی حسینی خاتمی (حفظه الله)، با قاطعیت و صراحت اعلام می‌داریم که تا آخرین نفس و در هر شرایطی پای عهد و میثاق خون خواهیم ایستاد. عهد خون‌دهی بنیادیم که در دفاع از انقلاب اسلامی و آرمان‌های امام راحل و رهبر فرزانه‌مان، هیچ لحظه‌ای از پا نخواهیم نشست. آرزو می‌کنیم که خداوند متعال کمال سلامتی و عزت را برای ایشان عنایت فرماید و همواره در سایه الطاف الهی قرارشان دهد. ما همچنین بر این نکته تأکید می‌کنیم که دشمنان انقلاب اسلامی و منافقان ذلت‌طلب، بدانند که عزم راسخ و اراده آهنین امت اسلامی، قهرمانانه در برابر توطئه‌های آنان ایستاده و در استیغای حق خوس، لحظه‌ای تردید نخواهند کرد. آرزوی نابودی و خواری برای این عناصر خائن را در دل داریم و یقین داریم که پیروزی نهایی از آن جبهه حق خواهد بود. زنده بان انقلاب اسلامی!



شب دوم شب‌های قدر در
هیأت امام حاضر (عج):

شب‌هایی که آقایان علی (ع) شهید شدند

در دومین شب از شب‌های قدر و به مناسبت شهادت امیرالمؤمنین علی (ع)، مراسم باشکوهی در این مدارس برگزار شد که جمعی از دانش‌آموزان، مربیان و خانواده‌ها در کنار یکدیگر به یاد و احترام این شخصیت بزرگ تاریخ اسلام گرد هم آمدند.

رشت | به گزارش آقای عباس دوست، مربی پایه هفتم مدارس مفتاح: مجموعه برنامه‌ها با قرائت دل‌نشین قرآن کریم توسط آقای بهروز، یکی از مربیان پایه چهارم، آغاز شد. صدای آرام و روحانی او فضای مراسم را طنین‌انداز کرده و حاضران را به درونی‌ترین احساسات خود دعوت کرد.

پس از قرائت قرآن، خواندن یک سوم از دعای جوشن کبیر به عهده آقای خدمتگزار، مربی پایه پنجم گذاشته شد. این دعا، یادآور طلب آموزش و تقرب به خداوند بود و در این شب‌های پرفیض، دل‌ها را به عظمت و مهربانی الهی متصل ساخت.

در ادامه، حاضران فرصتی برای استراحت به مدت یک ربعه داشتند و با صرف چای، به تبادل احساسات و ادعیه خود پرداختند. این زمان، فرصتی فراهم کرد تا جمعی در کنار هم به یاد امیرالمؤمنین (ع) صحبت کرده و ویژگی‌های والای او را مورد بحث و بررسی قرار دهند. سپس با پخش کلیپی، بار دیگر فضای معنوی مراسم تقویت شد.

سخنرانی حجت‌الاسلام خدابست، یکی دیگر از بخش‌های مهم این مراسم بود. او با بیانی شیوا و پرحرارت، به ویژگی‌ها و شخصیت امیرالمؤمنین (ع) اشاره کرد و از فضایل و پیام‌های ایشان برای جوانان امروز سخن گفت. سخنان او در شب قدر، بر عمق معنویت و احساسات حاضران افزوده بود.

مناجات و اعمال قرآن بر سر نیز یکی از لحظات خاص این مراسم بود که به واسطه حاج‌آقای خدابست اجرا شد و یادآور دلدادگی و بندگی انسان در برابر خالق یکتا بود. حاضرین با دل‌های پر از عشق و اشتیاق، به این برنامه پیوستند و عواطف خود را با صدای دلنشین همراه کردند.

در پایان، مراسم با روضه‌خوانی و ذکر مصائب شهادت حضرت علی (ع) توسط آقای همت به اوج خود رسید. فضایی پر از غم و اندوه عجیب با عشق و ارادت به آن بزرگوار، دل‌های حاضرین را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

یادآوری فدای جان برای حق و حقیقت، در این شب به وضوح در دل‌ها نشسته بود. مراسم با سینه‌زنی دانش‌آموزان به یاد شهادت امیرالمؤمنین (ع) به پایان رسید و این بخش، نشان‌دهنده ابراز احساسات و محبت عمیق جوانان به اهل بیت (ع) و روحیه یگانگی میان آن‌ها بود.

در مجموع، این مراسم با در داشتن برنامه‌های متنوع و معنادار، توانست فضای معنوی خاصی را ایجاد کند و در دل‌های حاضرین حس و حال شب‌های قدر را زنده کند. گزارش از این شب بزرگ، نشان‌دهنده عمق ارادت و پیوند معنوی دانش‌آموزان و خانواده‌ها به اهل بیت (ع) و یادآور پیام‌های آزادی و عدالت متعهدانه برای جوانان امروز بود.

شما نیز می‌توانید با ارسال گزارشات خود از اتفاقات مدرسه مفتاح، عضوی از هیأت تحریریه‌ی ماهنامه سربازان حاضر باشید.

شماره تماس پیام‌رسان
سروش: ۰۹۳۶۸۴۴۸۴۸۹

هنر به عنوان صدای کودکان:

انتخاب دواثر برتر در مسابقه کاریکاتور

به همت مربی هنر و خلاقیت پایه های چهارم تا ششم مدارس مفتاح، مسابقه‌ی کاریکاتور برگزار شد.

رشت | به گزارش هیأت تحریریه‌ی سربازان امام حاضر عج: در دنیای امروز، هنر به عنوان یک زبان بی‌کلام و قوی، توانایی بیان احساسات، تفکرات و انتقادات را دارد. در رقابت‌های اخیر کاریکاتور که به همت مربی هنر و خلاقیت برگزار شد، دو اثر برجسته نظر داور مسابقه را به خود جلب کرد که هر یک به نوعی نمایانگر احساسات و آرزوهای جوانان و کودکان در برابر چالش‌ها و تهدیدات است.



۱. کاریکاتور علی اصغر قربان پور از کلاس ششم: این اثر نمایانگر دونالد ترامپ است که در حال دریافت یک موشک با نوشته‌ی "لیک یا خامنه‌ای" بر روی آن می‌باشد.

این کاریکاتور به وضوح پیامی قوی ضد استعماری و حمایتی از آرمان‌های رهبر انقلاب اسلامی دارد. علی اصغر بیان کرده است: «من با کشیدن این کاریکاتور می‌خواستم نشان بدم که شیطان بزرگ رو می‌تونیم با اتحاد و اطاعت از رهبر عزیزمون نابود کنیم. و این آرزوی من هست که نابودی دشمن اسلام را با کمک به خدا و با دست ایران عزیز ببینم. و آن روز نزدیک است.»



۲. کاریکاتور محمدمهدی باوفا از کلاس چهارم: این اثر، تصویر نتانیاهو را زیر لگد ایران ترسیم می‌کند و نشان‌دهنده شجاعت و اقتدار ملت ایران در مواجهه با تهدیدات خارجی است.

محمدمهدی بیان کرده است: «من با کشیدن این کاریکاتور خواستم بگم که ایران همیشه قوی و محکم هست. وقتی دشمنان به ما نزدیک می‌شوند، ما مثل یک کوه استوار می‌مانیم و نمی‌گذاریم کسی به ما آسیب برسوند. من امیدوارم که همه دنیا بفهمند که ما استقلال و آزادی‌مون رو هیچ‌وقت به کسی نمی‌فروشیم و همیشه از کشورم دفاع می‌کنم. عشق به ایران توی قلب من همیشه هست!»

این دو کاریکاتور، نه تنها نمونه‌ای از خلاقیت و دیدگاه هنری دانش‌آموزان هستند، بلکه نمایانگر انسجام و اتحاد آنها در برابر چالش‌های جامعه نیز می‌باشد. آثار این جوانان با پیام‌های عمیق و قدرتمندشان، نشان‌دهنده احساسات و آرزوهای آنها برای آینده‌ای بهتر و ایمن‌تر است و به خوبی تأکید می‌کند که جوانان می‌توانند از هنر خود به عنوان ابزاری برای بیان صدای خود و ترویج آگاهی در برابر مشکلات استفاده کنند.

اینجا هیأت امام حاضر (عج) است:

شب اول شب‌های قدر

شب‌هایی پر از نور و معنویت، شب اول شب‌های قدر، در هیأت امام حاضر (ع) مدارس مفتاح رشت با حضور مربیان، دانش‌آموزان، پدران و مادران، و عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام برگزار شد.

رشت | شما گزارشی از آقای عباس دوست مربی پایه‌ی هفتم مفتاح را می‌خوانید: مراسم با تلاوت دل‌نیشینی از قرآن کریم توسط قاری توانمند، آقای مرادی، آغاز شد. صدای گرم و روح‌بخش او، دل‌ها را به سوی آسمان برافراشت و فضای معنوی خاصی را ایجاد کرد. پس از این تلاوت، یک سوم از دعای پرمعانی جوشن کبیر به دست آقای خدمتگزار قرائت شد که غم و اندوه شب‌های قدر را با اشک و دعاهای خالصانه در هم آمیخت.

پس از کمی استراحت و صرف چای در فضایی دوستانه، کلیپی جذاب با موضوع انتخاب رهبر شهید در مجلس خبرگان پخش شد. این کلیپ به تبیین تلاش‌ها و فداکاری‌های شخصیت‌های مؤثر در انقلاب اسلامی اختصاص داشت و مخاطبان را با ارادت بیشتر به مسیر شهیدان و امام راحل آشنا ساخت.

در ادامه، حجت‌الاسلام و المسلمین خدابست در سخنرانی خود به اهمیت وجود امام و نائب ایشان و جایگاه شیعیان در زمان غیبت پرداخت. ایشان با بیان نکات عمیق و تأثیرگذار، گوش‌های حاضران را به شنیدن کلمات نورانی و آموزنده خود جلب کرد که هر کلمه‌اش در دل‌ها نشسته و جان‌ها را نوازش کرد.

مراسم با مناجات و اعمال قرآن به سر توسط حاج‌آقا خدابست ادامه یافت و در این لحظات نورانی، همه حاضران به دعا و مناجات پرداختند و سعی کردند با دل‌های آکنده از عشق و ایمان نزد پروردگار حضور یابند.

سپس، روضه‌ای دلخراش از ضربت خوردن حضرت علی علیه‌السلام توسط آقای همت قرائت شد که حاضران با یاد مظلومیت این امام بزرگوار، اشک ریختند و سینه‌ها را به سوز و گداز عشق اهل بیت گرم کردند.

در انتها، مراسم با سینه‌زنی به اجرای آقای همت و آقای گلشنی به پایان رسید. صدای ناله و اشک حاضران در این شب پر برکت و معنوی، تجلی‌گر عشق و ارادت آنان به خاندان رسالت و نور ایمان بود.

این شب، یادآور معنویت و حماسه‌های بزرگ از تاریخ اسلام بود و نماد همبستگی و پیوستگی اعضای هیأت در آداب و سنن اسلامی نیز بود. امید است که این شب‌های عزیز، دروازه‌ای به سوی رحمت و مغفرت الهی برای همگان باشد.

به میزبانی مفتاح،

به میهمانی شما:

سفری در دنیای

نورانی قرآن



گاهی زندگی آنقدر شلوغ می‌شود که فراموش می‌کنیم برای روح مان هم نیاز به غذا داریم. گاهی در میان همه هیاهوها، نیازمند مکانی هستیم که در آن فقط آرامش حاکم باشد. برای ما مفتاحی‌ها، این مکان، هم نشینی با قرآن است. جایی که برای یک ساعت و نیم، دنیا را فراموش می‌کنی و در آغوش کلام خدا آرام می‌گیری. آموخته ایم که قرآن، زرمزه‌های شبانه نیست. قرآن، "زیربنای زندگی در روز" است. اینکه چگونه با دیگران رفتار کنیم؟ چگونه صورت باشیم؟ چگونه شکرگزار نعمت‌های کوچک باشیم؟ یکشنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۱۷:۳۰ در مدرسه مفتاح منتظران هستیم تا با هم سفری زیبا را در دنیای نورانی قرآن آغاز کنیم.

صفحه «به یاد دلاوران» محلی است برای گرامیداشت یاد و خاطره انسان‌های بزرگ و ایثارگرانی که با فداکاری و جان‌فشانی خود، مسیر تاریخ را تغییر داده و در قلب ما جاودانه شده‌اند. در این صفحه، به سراغ دلاورانی می‌رویم که در راه تحقق آرمان‌های بلند انسانی و اسلامی قرار گرفتند و با نثار جان خود، به ما نشان دادند که ایستادگی و صبر در برابر سختی‌ها، چه بسا می‌تواند به سعادت ابدی منجر شود. در اینجا به یاد شهید مفتاحی سید اسماعیل فرجودی، جوانی پرشور و بااخلاق که در خدمت به کشور و دفاع از نظام اسلامی جان خود را فدای وطن کرد، خاطره‌ای را از حجت الاسلام خدایپرست، مدیر مدارس مفتاح، روایت می‌کنیم. این یادداشت، یادآور دوستی‌ها، سخت‌کوشی‌ها و تعهد او به آرمان‌هایش خواهد بود. با هم به یادآوری این خاطرات می‌پردازیم و از درس‌های آموخته‌شده از زندگی این دلاور عزیز بهره مند می‌شویم. حالا آماده هستیم تا خاطره‌ای از زندگانی این بزرگوار را بخوانیم.

یادواره‌ای برای شهید مفتاح | سید اسماعیل

روایت دلسوزی و ایثار شهید سید اسماعیل فرجودی که با فداکاری اش در راه آرمان‌ها، جان خود را تقدیم وطن کرد.

حجت‌الاسلام خدایپرست | سید اسماعیل در تابستان سال ۱۳۹۹ به دفتر مدرسه مراجعه کرد و آمد پیش من و گفت تمایل دارم با مجموعه ی شما همکاری کنم و در مفتاح مشغول به کار شوم بهش گفتم چه طور با مجموعه ی ما آشنا شدی؟ گفت همه مفتاح رو به عنوان مدرسه تربیت قرآنی میشناسند منم دوست دارم توی یه همچین مدرسه ای مشغول به کار بشم، من درباره مجموعه و اهداف و برنامه هایش برایش توضیح دادم و گفتم مفتاح مخفف مجموعه فرهنگی تربیتی امام حاضر عج است و هدف اصلی مدرسه در یک جمله تربیت یار و سرباز برای امام زمان عج است خیلی خوشش آمد و شوق و اشتیاقش برای همکاری بیشتر هم شد. سید اسماعیل لیسانس فیزیک داشت و به من گفت هم میتوانم در امور اداری و دفتری به مجموعه کمک کنم و هم میتوانم مربی درس علوم دانش آموزان دبیرستانی باشم سید دوست داشت هر کاری که از دستش بر می آید برای مجموعه انجام دهد و همچنین میخواست از درسی که خوانده هم استفاده کند و در رشته و کار مرتبط مشغول به کار شود سید موقت و به طور آزمایشی کار رو شروع کرد اما بعد از مدتی که در تابستان مشغول به کار در امور اداری و دفتری شد خودش گفت حجم کار بالاست و نمی تواند هم معاون باشد و هم مربی علوم از این جهت بنا شد فقط معاونت امور اداری و دفتری مجموعه را بر عهده بگیرد ما با اسماعیل از اول مهر سال ۹۹ به طور رسمی قرارداد بستیم سید اسماعیل حدود دو سال معاون امور دفتری و اداری

مجموعه مفتاح بود، کار در مجموعه و تربیتی حاکم بر مجموعه را دوست داشت اما خیلی جدی دنبال تشکیل خانواده بود و دوست داشت شغل ثابت با حقوق ثابت داشته باشد تا بتواند ازدواج کند هر چقدر که به او گفتم تو که این کار را دوست داری نسبت به مجموعه هم که عرق پیدا کردی همین جا بمان خدا روزی رسان است و بنده ی زحمت کش و اهل انجام تکلیف خود را معطل نمی گذارد و همچنین میتوانی در کنار مدرسه مشغولیت های دیگری هم داشته باشی تا هم مشکل مالیت حل شود و هم برای خودت و جامعه مفید تر هم باشی اما او خیلی پیگیر جذب در سپاه بود حدود سه سال پیگیر بود حتی قبل از اینکه بخواهد به مفتاح بیاید.

خلاصه هر طور شده جذب سپاه شد و لباس پاسداری از انقلاب و نظام را بر تن کرد و زمان زیادی هم طول نکشید تا اینکه از همین راه شهادت روزی او شد و زمانی که در حال دفاع از این کشور بود مورد اصابت قرار گرفت و رسید به چیزی که انصافا حقیقت بود سید خیلی قانونی و مقرراتی بود و خیلی دنبال احقاق حق و ضایع نشدن حقوق دیگران، همیشه تا صدای اذان بلند می‌شد کار را تعطیل می کرد و می گفت نماز نمیخوانیم؟ بساط نماز را محیا می‌کرد و همه را دعوت به نماز جماعت اول وقت، یک روز که نزدیک زمان دادن کارنامه ها بود به من زنگ زد و گفت که یکی از مربیان دروس برگه های امتحانی را به من تحویل داده اما درست تصحیح نکرده و جمع نمرات را درست محاسبه نکرده و نمراتی که تحویل داده با نمرات برگه ها تفاوت می کنه، با هم قرار گذاشتیم که قضیه را بررسی کنیم و چون زمان زیادی نداشتیم و باید کارنامه ها رو زود به خانواده ها تحویل میدادیم بعد از نماز عشا با هم توی مدرسه قرار گذاشتیم.

نماز را خواندم و آدمم مدرسه، دیدم سید اسماعیل خیلی ناراحت و برآشفته است گفتم چی شده سید چرا این قدر ناراحتی؟ گفت آخه نگاه کنید نه درست تصحیح شده و نه درست بارم ها رو جمع کرده و نمراتی هم که تحویل داده با نمرات برگه فرق می کنه، بهش گفتم این که دیگه چیز مهمی نیست و جای نگرانی نداره، من میخواستم با جملاتم آرومش کن ولی مثل اینکه سید خیلی آتیشش تند بود و بیشتر ناراحت شد و بغض کرده بود و احساس کردم اشک توی چشمش جمع شده، حرفمو پس گرفتم و بهش گفتم نگران نباش با هم درستش می کنیم، من و سید تا نزدیک اذان صبح مدرسه موندیم و

کار رو جمش کردیم دیگه چشمامون درد گرفته بود و خون افتاده بود اما لبخند رضایت سید روی لبانش نقش بسته بود و اشکی که در چشم داشت حالا تبدیل به برق در چشم شده بود به نظر از این که تونسته بود کاری رو درست انجام بده و جلوی خطایی رو بگیره خیلی خوشحال بود سید اصلا طاقت نداشت ببینه چیزی سر جاش نیست و یا اینکه کسی داره به تعهد خودش عمل نمی کنه یا از جایگاهش سوء استفاده می کنه، با هرگونه خطا و اشتباه و پارتی بازی و کم کاری مقابله می کرد، من همیشه بهش می گفتم با این روحیه ای که داری جذب هر سازمان یا ارگانی بشی خیلی اذیتت خواهند کرد، خوشا به حالش که خیلی زودتر از آن چیزی که فکرش را می کردیم به حقیقت که شهادت بود رسید و مثل همیشه حقیقت را گرفت.

تا صدای اذان بلند میشد
کار را
تعطیل می کرد

سید جان تو زودتر رفتی ولی منتظر ما هم بمون و سلام ما مفتاحیون رو به آقامون برسون و بگو ما تا آخرین نفس و قطره ی خونمون پای کار این نظام و انقلاب هستیم و هستیم بر عهده ی که با شما بستیم. الحمدلله الان با شهادتت قرارگاه مفتاح توی بهشت هم شعبه داره. به امید دیدارت در بهشت

پیروزی از آن خوکچه‌ها نیست!

ایستادگی در برابر خوکچه‌های اسرائیلی | اتحاد برای آزادی



کاریکاتور از: دانش آموز محمدحسین ساجدی

علی نیکبخت |

به نام خداوندی که به ما شجاعت و خرد عطا کرده است. ما، فرزندان سرزمین پر از تاریخ و فرهنگ، هرگز فراموش نمی‌کنیم که چه موانع و چالش‌هایی را پشت سر گذاشته‌ایم. تاریخ ما به وضوح، داستان‌هایی از ایستادگی و مقاومت ما را روایت می‌کند. از نسل‌های گذشته آموخته‌ایم که چگونه در برابر ظلم بایستیم و هرگز تسلیم نشویم! حالا در میانه‌ی یک دنیای پیچیده و پر از توطئه، بیایید بار دیگر به این خوکچه‌های سیاسی یادآور شویم که آزادی و امنیت ما بهایی بسیار بیشتر از درک آن‌ها دارد.

این خوکچه‌ها که با وعده‌های توخالی و دوستانه فریب خود، به فکر نزدیک شدن به ما هستند، فراموش کرده‌اند که دست‌هایشان

آغشته به خون بی‌گناهیانی است که هیچ‌گاه به خواسته‌های ظالمانه آن‌ها پاسخ ندادند. آیا واقعاً تصور می‌کنند که تنها با چند سخنرانی عوام‌فریب می‌توانند معادله‌های پیچیده زندگی ما را حل کنند؟ این بی‌خبری از واقعیت‌هاست که آن‌ها را به چالش می‌کشد و به صراحت باید گفت که هیچ خوکچه‌ای نمی‌تواند به ما پیامورد که چگونه باید زندگی کنیم.

درد و رنج ما، و تاریخ سازان ما، گواهی بر استقامت و همبستگی‌مان است. برای هر گام به سوی آزادی، بهایی سنگین پرداخت شده است و این تاریخ به ما قدرت ایستادگی می‌دهد. یادمان باشد که هر بار که این خوکچه‌ها سعی دارند خود را بزرگتر از آنچه که هستند نشان دهند، ما نه تنها به آن‌ها می‌خندیم، بلکه از آن‌ها درس می‌گیریم که چگونه در دنیای پرچالش و ظالم امروز قوی‌تر و با اراده‌تر بایستیم. این اتحاد و همبستگی ما است که قفل آزادی را می‌گشاید و نشان می‌دهد که سرزمین‌مان مملو از قهرمانانی است که

هیچ‌گاه اجازه نخواهند داد آزادی‌شان به بازی گرفته شود. این یادآوری به ما نیرو می‌دهد که هیچ خوکچه (یا متظاهر دیگری) نمی‌تواند با لبخندهای ویرانگری که بر چهره دارند، ما را فریب دهند.

بیایید با قلبی پر از امید و دلی پولادین، به سوی روزهای بهتر حرکت کنیم. ما هرگز تسلیم نخواهیم شد و همیشه در کنار یکدیگر، برای مظلومان سینه سپر خواهیم کرد.

در نهایت، بیایید این پیام را منتشر کنیم: ما با یکدیگر به‌عنوان یک ملت متحد، در برابر هر گونه بدعت و ستم ایستاده‌ایم و همواره برای آزادی و حقوق انسانی‌مان مبارزه خواهیم کرد.

اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود.

امام راحل در دیدار با چند تن از رهبران مسلمان بنگلادش.

گورستان خصوصی ترامپ

«ورود برای تمام مردم آزادی خواه دنیا بالاخص ایران، آزاد است!»

در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، روز به روز بر حجم ناامیدی و بی‌عدالتی افزوده می‌شود. در این میان، صدای شخصی را می‌شنویم که شاید در مفتاح نیست ولی خود را از جنس مفتاحی‌ها میداند. کسی که فرسخ‌ها دور از گیلان در شهری که این روزها مورد حملات موشکی اسرائیل و آمریکا قرار گرفت، شهر را نه تنها خودش بلکه همسر و فرزندانش هم خالی نکردند تا حضورشان مشتی محکم بر دهان دشمنان جمهوری اسلامی باشد. یادداشت "گورستان خصوصی ترامپ" یک پژواک از احساسات و افکار ایشان است که به دلیل وضعیت کنونی جهان، با دل پر از خشم و بغض کلامی به میدان آورده است. این متن، در کنار کاریکاتوری از دانش آموز کلاس پنجمی مفتاحی، نمادی از خلاقیت و امید به آینده است. کاریکاتوری که نشان‌دهنده‌ی آمل نسل جوان است و یادآور این نکته که تغییر و آزادی‌خواهی باید از دل خلاقیت بیرون بیاید. در این یادداشت، نویسنده با قدرت بیان احساسات خود، ما را به فکر وادار و در عین حال، دعوت به عمل می‌کند. او ما را به بازنگری در جوامع برقرار شده و ایستادگی در برابر ظلم و ستم فرامی‌خواند. بیایید با هم صدای «حداد نیکبخت» را بشنویم و در کنار هم برای جهانی پر از صلح و آزادی، مبارزه کنیم.



کاریکاتور از: دانش آموز
حاج علی اصغر درجی

حداد نیکبخت | اصفهان :

این کاریکاتور که هنری از دانش‌آموزان مفتاح است را از سردبیر محترم دریافت کرده‌ام که همواره با نگاهی دقیق و تحلیلی به مسائل اجتماعی و سیاسی در حوزه رسانه، توانسته است ابتدا نظر حقیر را جلب کند و درثانی بینش عمیق و خاصی را به خوانندگان منتقل کند. بردارم همیشه به دنبال به تصویر کشیدن حقیقت‌هاست و در این راستا، از استعدادهای جوانان نیز بهره می‌برد.

این کاریکاتور به قدری تأثیرگذار است که بی‌تابی دلم را دوچندان کرد و اولین بار با دلی پر از بغض و خشم دست به قلم بردم و ناگهان به این فکر رفتم که چطور دنیای ما پر از بی‌عدالتی‌ها و دردهای عظیم شده است!

در این چند روزه شاهد حملات وحشیانه به ایران هستیم. نتانیاهو و ترامپ، دست‌به‌دست هم دادند تا جان یک ملت آزاد را بگیرند. چقدر دردآور است که فکر کنم فرزندان ما به خاطر سیاست‌های خشونت‌آمیز این افراد، به جهانی پر از ترس و ناامنی قدم گذاشته‌اند!

به‌راستی، چگونه می‌توان به جای نفرین و ناامیدی، خلاقیت و عشق را به میدان آورد؟ آیا خوب نیست که انسان‌ها به‌جای اینکه بر سر هم بزنند، بیایند و بر سر خاک ترامپ، آرزوهای آزادی‌خواهانه‌شان را بریزند؟ چون گورستان خصوصی ترامپ جایی است که ورود برای تمام مردم آزادی‌خواه دنیا بالاخص مردم ایران، آزاد است!

در این گورستان، همه می‌توانند با یادآوری ظلم‌هایی که به دست او و سیاست‌هایش انجام شده، به این مکان بیایند و فریاد بزنند: «خداحافظ، ترامپ! دیگر نخواهیم گذاشت تو یا هیچ‌کس دیگری برای ما تصمیم بگیرد!» ما باید به یاد داشته باشیم که خندیدن و مقاومت، بخشی از روح آزادی‌خواهی ماست.

این گورستان، سرزمینی برای آزادی‌خواهان است. بیایید بخندیم و با شوخی در گورستان او بیفکنیم و بگوییم: «خوش آمدید به گورستان ترامپ، جایی که تنها یادگاری‌ای که برای سران فاسد باقی می‌ماند، نفرین و تمسخر مردم دنیاست!»

به عنوان نویسنده‌ای که نگران آینده فرزندانم هستم، امیدوارم دنیا به جایی تبدیل شود که عشق و خلاقیت بر قدرت فاسد و ظلم پیروز شود. فرزندان ما باید بر با‌های عشق و دوستی پرچم برافراشته و دنیای بهتری بسازند. همه‌ی ما در برابر ظلم و بی‌عدالتی وظیفه‌ای داریم. به همین خاطر، من از تمام شمایی که در روز قدس، با حضوری گسترده و متحد، صدای مقاومت و آزادی‌خواهی خود را به تمام دنیا رساندید سپاسگزارم. ما در این روز مهم، به یکدیگر پیوستیم و نشان دادیم که هرگز ظلم را فراموش نخواهیم کرد و همیشه در کنار مظلومان خواهیم ایستاد. با آرزوی دنیایی پر از صلح و عشق برای همه!



بای بای
ترامپ...!



راه قدس از کربلا محکوم کرد



قدس پس از امام شهید

«فریاد سرزمین عشق و اتحاد در آخرین جمعه‌ی رمضان ۱۴۰۴»

شجاع و آزادیخواه ایرانیان بود. نگاه‌ها سمت آسمان بود؛ گویا همه با هم در دل می‌گفتند: «یارا، راهی که نشانمان دادی، ادامه خواهد داشت...» زیرا که روح شهیدان و آرمان‌های بزرگ آنان در میان ما زنده است و فریاد عدالت‌خواهی را در جان ما می‌وزد.

در این روز، خیابان‌ها تنها پر از جمعیت نبود؛ بلکه انباشته از خاطرات، بغض‌ها، خشم‌ها و در عین حال، امیدهایمان نیز بود. امید به فتح، و پیروزی و آزادی نزدیک.

یک عهد سترگ. عهدی خونین که در دل تاریخ زنده است و هر سال با تپش‌های قلب مردم تجدید می‌شود. قدم‌هایمان شاید به نظر سنگین‌تر می‌رسید، اما از جانب دیگر، محکم‌تر و استوارتر شده بودند. هر گام، بیانگر عزم جدی ملت برای انتقام و دفاع از آزادی و حقوق برادران و خواهران، نه فقط در فلسطین مظلوم بلکه در خیابان‌های پر خاطره از مردم

امسال راهپیمایی روز قدس به گونه‌ای متفاوت و بی‌نظیر برگزار شد. خیابان‌های آشنا، پرچم‌های زینت بخش سفره مهربانی و اتحاد هر ساله، اما با عطر و بوی جدیدی که تنها از دلی پر عشق و ایمان سرچشمه می‌گرفت، رنگ دیگری به خود گرفته بودند. صدای شعارها هرگز به این شفافیت و قاطعیت نبوده است. متفاوت، متفاوت تر از هر سال... مردم، با شور و شوقی مثال‌زدنی و عزم و اراده‌ای راسخ، به خیابان‌ها آمدند؛ نه تنها برای راهپیمایی، بلکه برای تجدید

با نزدیک شدن به روز قدس، همه ساله پیام‌های وحدت و همبستگی ملت ایران در برابر ظلم و ستم را مشاهده می‌کنیم. امسال، با برگزاری راهپیمایی‌ای بی‌نظیر، این پیام به شفاف‌ترین و قاطع‌ترین شکل ممکن به جهانیان منتقل شد. در یادداشتی از خانم عباسی، مدیر طرح درس‌های مدارس مفتاح، به تحلیل این رویداد مهم پرداخته شده است. او نه تنها به شور و شوق مردم در این روز پرمعنا اشاره می‌کند، بلکه با نگاهی عمیق، از عزم و اراده ملت برای دستیابی به آزادی و عدالت سخن می‌گوید. این یادداشت، تجلی‌گر روح فداکاری و ایستادگی مردم ایران در مقابل ستم و حق‌طلبی است که هر ساله در روز قدس، خود را در قالب شعارها و همدلی به نمایش می‌گذارد:

روز قدس امسال بیش از هر زمان دیگری یادآور شد که برخی صداها خاموش نمی‌شوند. در شعارهای قوی و رسا، در پرچم‌هایی که با افتخار در دست‌ها بالا می‌روند و در مشتهای گره کرده مردم، صدای یک ملت به گوش می‌رسد. شاید این همان معنای راستین ادامه راه باشد؛ ایستادگی یک ملت با تمام دلتنگی‌ها و غم‌هایش، اما در عین حال با قدم‌هایی استوار که فریاد می‌زند: «قدس تنها نیست...». ما دلتنگی‌ها و غم‌ها را به دست می‌گیریم و در مسیر حق و حقیقت پیش می‌رویم، تا جهانی پر از محبت و آزادی بسازیم و نه تنها سرزمین قدس را به آغوش خود برگردانیم بلکه اینبار راه ظهور را از ایران اسلامی آغاز کنیم. آری، ما در این راه، وارثان خط امام حسین علیه‌السلام هستیم؛ پیمان‌دار صحبت‌های خمینی کبیر و ادامه‌دهندگان مسیر امام شهیدمان... ما تا پای جان و آخرین قطره خون، به این عهد و پیمان استوار خواهیم ماند و فریاد خواهیم زد: «هیئات منا الذله».

راهپیمایی جهانی روز کسر



شما نیز میتوانید خبرنگار افتخاری ماهنامه باشید

ستاره‌ی انسایت

اگر قرار است در عصر التهاب، اخلاق و تعادل را نگه داریم، باید بدانیم رو به چه کسی ایستاده‌ایم. این سطرها، خطاب است؛ نه به غیبت، به حضور. با هم بخوانیم:

ای ماه تنهای آسمان شهر ما
ای کشتی آدمهای مغروق در گناه

ای مولای ما یا صاحب الزمان
ای الیک المشتکی و انت المستعان

ای خالق رویاهای در ذهن من
ای باور و یاور روح و جسم من

ای روشنای ستاره‌ی انسایت بر زمین
ای ابن الائمه الهداه المعصومین

ای مونس تنهایی‌ها
ای موعود همه انبیا

ای کلید حق بهشت
ای آخر هر سرنوشت

ای بریء من کل عیب
ای امام موجود و غیب


ای وارث المرسلین
ای حجت رب العالمین

ای نور بنوره کل ظلمات
ای کلام پایانی هر صلوات

ای که کل یوم و ماه و سال از آن توست
ای که مرد وزن، پیر و جوان گوش به فرمان توست

ما چشم به راهیم، یابن فاطمه (عج) بیا
این جمعه‌ها گذشت، هر روزی که شد بیا

(شعر از سردبیر)



ایمان داریم که درخت امید و آزادی، با رهبری
آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای شکوفا شده و
سرسبز خواهد ماند. ما به‌عنوان یک ملت، با
عشق و صداقت اعلام می‌کنیم: «ما با یاد و نام
تو، همچنان ایستاده‌ایم و تا آخرین نفس در راه
تحقق آرمان‌هایتان تلاش خواهیم کرد.»

همراه با قلب‌هایی پیوسته و اراده‌هایی
مستحکم، عهد می‌بندیم که همواره وفادار به راه
و منش شما خواهیم بود.



نام ماهنامه: سربازان امام حاضر عج

شعار: صدای دانش آموزان امروز

صاحب امتیاز: مجموعه فرهنگی تربیتی امام حاضر عج (مفتاح) رشت

سردبیر: حامد نیکبخت

شماره تماس سردبیر: ۰۹۳۶۸۴۴۸۴۸۹

شماره مدرسه: ۰۱۳۳۴۷۷۸۹۹۹۰

ما را در پیام‌رسان سروش دنبال کنید:

 meftah_school

KHAMENEI.IR